

Achieve portraits of people in doomsday scenes with the help of Paul Ekman and Wallace Weifrizen face reading patterns (Study in the words related to the verses of resurrection)

(Received: 2020-08-02 Accepted: 2020-10-31)

Elham Khabir¹ , Ali Khezri² , Rasoul Bellavi³

Abstract

Photographs as a historical document respond to human curiosity. Portrait photography is one of the branches of photography and is a modern way of expressing the face of people in which the inner message of the person is expressed according to the state of the face. Arabic is the language of images. Words express meaning in depth. In the words of the Holy Quran, there are images that artistically convey the meaning to the reader. Sometimes Qur'anic words represent a face that indicates states of sadness, joy, hatred, anger, or fear. These states can be seen in the faces of people in the resurrection. To achieve the portrait of these faces, we need a scientific method, such as the science of face reading, which is used in the world as a psychological method in recognizing people.

The science of face reading expresses facial expressions based on the appearance and lines of the face and introduces the personality of a person through the science of psychology. Paul Ekman and Wallace W. Firizan, two theorists, studied the science of face reading. They showed how to recognize these basic emotions with a large number of photographs of people's faces that show feelings of surprise, fear, joy, hatred, anger, and sadness. In this article, according to the descriptive-analytical method and relying on the theories of the two in the science of face reading, we obtain the portrait photos of people in the mentioned situations in the doomsday scenes. Another finding of this terminological research; Which is very effective in instilling the meaning of verses and their interpretation in the mind of the reader.

Keywords: Holy Quran, Quranic words, portrait photography, face reading.

1) M.A. Student in Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Boushehr. (corresponding author), email: Elham.khabir@yahoo.com

2) Professor of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Boushehr, Email: Alikhezri@pgu.ac.ir

3) Scholars of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Boushehr, Email: r.ballawy@pgu.ac.ir

دستیابی به عکس پرتره افراد در صحنه‌های روز قیامت با کمات الگوهای چهره خوانی پل اکمن و والاس ویفرینز (مطالعه در واژگان مربوط به آیات قیامت)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴)

الهام خبیر^۱، علی خضری^۲، رسول بلاوی^۳

چکیده

عکس‌ها به‌عنوان یک سند تاریخی پاسخگوی کنجکاوی‌های بشر هستند. عکاسی پرتره یکی از شاخه‌های عکاسی است و شیوه‌ای مدرن در بیان چهره افراد است که در آن پیام درونی فرد با توجه به حالت چهره بیان می‌شود. زبان عربی زبان تصویر است؛ واژه‌ها در عمق خود معنایی را بیان می‌کنند. در واژگان قرآن کریم تصاویری وجود دارد که هنرمندانه مفهوم را به خواننده منتقل می‌کند. گاهی واژه‌های قرآنی معرف یک چهره هستند که حالت‌های غم شادی نفرت خشم و یا ترس را نشان می‌دهد. این حالت‌ها را می‌توان در چهره افراد در قیامت مشاهده کرد. برای دست یافتن به عکس پرتره این چهره‌ها نیاز به یک روش علمی داریم مانند علم چهره‌خوانی که در دنیا به‌عنوان یک روش روانشناسی در شناخت افراد از آن بهره می‌برند.

علم چهره‌خوانی حالات چهره را بر اساس ظواهر و خطوط صورت بیان می‌کند و از طریق علم روانشناسی، شخصیت فرد را معرفی می‌کند. پل اکمن و والاس وی. فیروز دو نظریه‌پرداز به بررسی علم چهره‌خوانی پرداختند. آن‌ها با تعداد زیادی عکس از چهره افراد که نشان‌دهنده احساس غافلگیری، ترس، شادی، نفرت، خشم و غم است، نشان دادند که چگونه، این احساسات اساسی را به‌درستی بشناسیم. در این جستار با توجه به روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر نظریات این دو در علم چهره‌خوانی، عکس پرتره افراد را در حالت‌های نامبرده در صحنه‌پردازی‌های روز قیامت را به دست می‌آوریم. یافته‌ی دیگر این پژوهش واژه‌شناسی؛ که در القای معنی آیات و تفسیرشان به ذهن خواننده، بسیار اثرگذار است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، واژگان قرآنی، عکس پرتره، چهره‌خوانی.

۱) دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس - بوشهر. (نویسنده مسئول)،

ایمیل: Elham.khabir@yahoo.com

۲) استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس - و شهر، ایمیل: Alikhezri@pgu.ac.ir

۳) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس - بوشهر، ایمیل: r.ballawy@pgu.ac.ir

۱- مقدمه

هنر عکاسی پرتره یکی از ژانرهای عکاسی است که در تبیین چهره افراد مورداستفاده است و می‌تواند بیننده را به عمق زبان آفرینش سوق دهد. ثبت پرتره‌های متفاوت از چهره افراد ما را با خطوط و حالاتی در چهره آشنا می‌کند؛ که ارتباط مستقیمی با درونیات سوژه دارد. چهره افراد احساساتشان را مانند یک آینه نشان می‌دهد و رازهایی از شخصیتشان را برملا می‌کند (اکمن و وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۱۷)

پل اکمن، استاد روانشناسی در گروه روان‌پزشکی دانشگاه کالیفرنیا به همراه همکار خود والاس وی. فریزن، در رابطه با علم چهره‌خوانی پژوهش‌هایی انجام داده‌اند و در کتابی بانام رمزگشایی از چهره به نتایج علمی در باب چهره رسیدند. این دو با تکیه بر تغییراتی در پیشانی، پلک‌ها، گونه‌ها، بینی، لب‌ها و چانه سوژه‌ها به بیان نظریه‌ای کلی برای حالات همه چهره‌ها بر پایه اندوه، شادی، ترس، خشم، نفرت و غافل‌گیری پرداختند و با کمک این مؤلفه‌ها پیام‌های چهره را رمزگشایی می‌کنند.

قرآن، از حیث تصویرپردازی بی‌بدیل است، هر واژه به نحوی در خود تصویری دارد که خواننده خود را در فضای نوشته احساس می‌کند. آیات مربوط به قیامت تصویر آینده افراد را نشان می‌دهد و سرانجام شخصیت‌ها را در حالات متفاوت، اعم از: ترس، غم، شادی و غیره را بیان می‌کند و اگر بخواهیم عکس پرتره افراد در این حالات را در ذهن خود تجسم کنیم؛ احتیاج به یک نظریه علمی برای تشکیل چهره، در این حالت‌ها داریم. واکنش شخص نسبت به حوادث قیامت به‌طور کامل بر صورتش نقش می‌بندد و اکنون با شناخت نظریه چهره‌خوانی اکمن و فریزی زن قادر به کامل کردن، دقیق این پرتره‌ها و خوانش حالات چهره بر اساس علم چهره‌خوانی هستیم.

۱-۱- بیان مسئله

علم چهره‌خوانی یا فیزیوگنومی روشی است که با مشاهده ظاهر و خصوصیات چهره، شخصیت و ویژگی‌های فرد را بیان می‌کند. یوهان کاسپر لاواتر، معروف‌ترین فیزیوگنومیست، این اصطلاح را این‌گونه تعریف می‌کند: «فیزیوگنومی علم است، دانشی که بیرون را به درون ارتباط می‌دهد، سطح بیرونی مرئی به چیزی که درون نامرئی را پوشش می‌دهد. می‌توان توسط فیزیوگنومی از حالت و ویژگی‌های چهره، نشانه‌های درونی را شناخت.» (طاهری، ۱۳۹۷ ش: ۹۳-۹۴) در تعریفی دیگر از علم چهره‌خوانی می‌توان چهره انسان را به‌عنوان یک نمایشگر کامل از اتفاقات روی داده در نظر گرفت؛ که در کلیت فیزیکی شخص قلمداد شده است و سلامت هر عضو اصلی، توسط یک ویژگی متفاوت در صورت فرد، انعکاس خواهد یافت. (هانر، ۱۹۵۳م: ۲۵)

ویژگی‌های این پژوهش درباره بررسی چهره‌های قرآنی به‌مثابه یک عکس پرتره، این

امکان را فراهم می‌کند؛ تا از زاویه دید جدیدی آیات را بررسی کنیم. از سویی قرآن کریم از حیث صحنه‌پردازی و قدرت کلام در مرتبه‌ای قرار دارد؛ که خواننده به‌طور کامل خود را در فضای نوشته حس می‌کند و این از ویژگی‌های بارز قرآن کریم است؛ اکنون این ویژگی این امکان را به ما می‌دهد تا خود را در فضای نوشته حس کنیم و با یک نگاه خلاقانه به دنبال خلق عکس پرتره افراد در صحنه‌های روز قیامت باشیم و برای یافتن این عکس‌ها باید به سراغ واژگان قرآنی رفت و با توجه به معنی و تفسیرشان از درونیات سوژه باخبر شد و آن‌ها را با نظریات چهره‌پردازی منطبق کرد. در راستای این پژوهش بر آنیم تا به این سؤالات پاسخ دهیم:

- ۱- عکس‌های پرتره افراد در روز قیامت از نظر علم چهره خوانی چگونه هستند؟
- ۲- هنر عکاسی پرتره، چگونه در القای معنی واژگان اثرگذار است؟

۲-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت معاد در دین اسلام بسیار زیاد است؛ چنانکه، «یاد قیامت آن است که در سوره تکوین مشخص کرد و فرمود: ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾^۱ یاد به معنای علم است و در مقابلش نسیان. می‌فرماید: اگر شما به یاد قیامت باشید و علم به آن داشته باشید، خوب آتش را می‌بینید. ممکن نیست کسی که به قیامت علم داشته باشد و آتش را نبیند؛ این که ما آتش را نمی‌بینیم، معلوم می‌شود که به قیامت علم نداریم و اگر علم نداریم، دارای نسیان هستیم، اگر نسیان داریم، تحت ولایت شیطانیم.» (جوادی عاملی، ۱۳۱۲ ش: ۱/۱۴۵)

اکنون صحنه‌های قیامت را با کمک هنر تصویرگری به خاطر می‌آوریم و در مرحله دوم کار، مانند یک عکاس به دنبال خلق پرتره افراد در صحنه قیامت هستیم. هنر پرتره‌نگاری شاخه‌ای از عکاسی است؛ که در آن از چهره انسان عکس برداری می‌شود و سعی در بیان مطلب از طریق چهره دارد و اهمیت این موضوع را می‌توان در دیدگاه سید قطب یافت؛ از نظر سید قطب در روش و سیاق آیات قرآن چهره‌نگاری و تصویر یکی از راه‌های ممتاز و برگزیده علمی است. (قطب، ۱۳۴۹ ش: ۲۵)

۳-۱- پیشینه پژوهش

در زمینه هنر عکاسی و ادبیات پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است از جمله فرانسوا برون (۱۹۶۰۵م) کتابی بانام «عکاسی و ادبیات» تألیف نموده که در آن رابطه‌ی میان عکاسی و ادبیات را بیان کرده است. ویلیام فلوسر (۱۹۹۱م) در کتاب «تاریخ‌نگاری و عکاسی» عکس را به‌عنوان یک سند تاریخی معرفی کرده است. در پیوند میان هنر تصویرگری و قرآن کریم پژوهش‌گران بسیاری به واری این موضوع پرداختند مانند سید قطب (۱۴۱۵ق)

(۱) تکوین ۵-۶: حقا، اگر از روی یقین بدانید، البته جهنم را خواهید دید.

«التصوير الفنى فى القرآن» نخستین کسی که توجه‌ها را به پدیده اعجاز در تصویر هنری جلب نمود. در این کتاب به نمونه‌هایی از تصاویر هنری پنهان در قرآن کریم اشاره کرده است. عبدالسلام احمد الراغب (۱۹۸۰م) «وظیفه الصورة الفنیة فى القرآن الکریم» در این کتاب وی به عنصر تصویر و کارکردهای آن در قرآن پرداخته است. زینه عرفت پور (۱۳۹۴ش) «تصویرپردازی هنری در قرآن کریم» در این کتاب به تعریف تصویر و جایگاه اهمیت آن در آشکار کردن معنی اشاره کرده است. در این کتاب وی به عنصر تصویر و کارکردهای آن در قرآن پرداخته است. جلیل اله فاروقی (۱۳۹۳ش) در مقاله‌ای تحت عنوان «انتقال معنی از طریق تصویرسازی ذهنی در جزء سی‌ام قرآن کریم» پرداخته است. مقاله دیگری به قلم سید حسین سیدی به نام «مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن» که در تابستان ۱۳۸۷ در فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز به رشته تحریر درآمد. در پژوهش‌های یادشده تا مرحله روانشناسی شخصیت، تصویرپردازی هنری و حتی تشکیل تصویر افراد در قیامت پیش رفتند همچنین در آثار مرتبط با عکاسی، عکس را به‌عنوان یک نشانه بررسی کرده‌اند اما در این پژوهش با ترکیب هنر پرتونگاری و علم چهره‌خوانی تصاویر دقیق‌تری از چهره افراد به مثابه یک عکس در روز قیامت به دست می‌آوریم که این کار با این روش در هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده به دست نیامده است.

۲- هنر عکاسی پرتو

جان برجر، عکاس نظریه‌پرداز عنوان می‌دارد؛ که «عکس‌ها بدون زبان خاص خود، اطلاعات را در اختیار افراد قرار می‌دهند. عکس‌ها به‌جای ترجمه واقعیت، آن را بیان می‌دارند.» (حکیم زاده، ۱۳۹۷ش: ۱۴) در طول این سال‌ها از آغاز اختراع دوربین عکاسی تا به امروز، تعاریف بسیاری از عکس ارائه شده است و در همه این تعاریف آنچه مشترک بوده و شاید بتوان آن را تعریفی از عکس به شمار آورد، این است که: آنچه دوربین عکاسی بر نگاتیو ثبت می‌کند و اثر ثبت‌شده بر کاغذها چاپ می‌شوند، عکس است. (کریم‌مسیحی، ۱۳۹۴ش: ۱۸) عکاسی پرتو، شاخه‌ای از این هنر است؛ که در آن از چهره انسان عکس برداری می‌شود و بیشتر متمرکز به عکاسی از انسان‌ها می‌شود. (خونساری، ۱۳۹۷ش: ۹۰) عکس پرتو در واقع عکسی است؛ که از یک شخص یا معدودی از افراد که در آن محوریت عکاس بر چهره و صورتشان قرار می‌گیرد. (اسماعیلی، بی‌تا: ۲۷) پرتو مینی‌مالیسمی یا ساده‌گرایی، امکان نزدیکی به سوژه و ارتباط حسی، با آن را ایجاد می‌کند و عکاس مینی‌مال باید؛ در ثبت تصاویر خود در نظر داشته باشد چهره‌ها نشان‌دهنده شخصیت‌های انسانی هستند. (طباطبایی نظری، ۱۳۹۸ش: ۴۵) در امر پرتونگاری در صحنه‌پردازی قرآن کریم تجسم صحنه‌ها، پرتونگاری از چهره‌ها را ممکن کرد و می‌توان امر واقع‌نگری در این پرتو‌ها را مدیون امر تجسم دانست؛ چنانکه ریک سیمون، در کتاب

انگیزه و دانش عکس درمانی به نقل از جان لنون، می‌نویسد: «واقعیت چه بسا مدیون تجسم است.» (سیمون، ۱۹۵۰م: ۴۹)

۳- بررسی نظریه چهره‌خوانی پل اکمن و والاس ویفرین

در این پژوهش با تکیه بر کتاب رمزگشایی از چهره و نظریه‌های مرتبط با چهره سعی در پردازش و بیان حالات کلی صورت در چهره‌های قیامت شده است. اکمن و فیری زن در مورد حالت چهره افراد در این شش مؤلفه، از چهره افراد بسیاری عکاسی کردند و آن‌ها را در موقعیت‌های متفاوت قرار دادند؛ در نهایت به این نظریات در مورد انواع احساس در چهره افراد دست یافتند.

غافلگیری: مؤلفه غافل‌گیری زودگذرترین هیجان است و به‌طور ناگهانی بروز می‌کند. مدت‌زمان غافل‌گیری بسیار کوتاه است؛ مگر اینکه مؤلفه جدیدی رخ دهد و این رخداد به همان میزان که ظاهر شده بود، شدت غافل‌گیرش از بین می‌رود. این حس به دلیل زودگذر بودن با سرعت با احساسات دیگر ترکیب می‌شود و چهره جدیدی را در صورت افراد به وجود می‌آورد. (اکمن و وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۵۱-۶۱)

ترس: بعد از احساس غافل‌گیری امکان به وجود آمدن حس شادی، ترس و یا غم وجود دارد... مؤلفه ترس را می‌توان با یک آسیب بیان کرد. همه از آسیب می‌ترسند. آسیب می‌تواند فیزیکی، روانی یا ترکیب هر دو باشد، آسیب فیزیکی از یک مورد کوچک مانند اثر یک سوزن تا جراحات جدی و کشنده متغیر است. آسیب روانی نیز می‌تواند از مواردی ساده مانند توهین یا یأس تا حمله به سلامت روانی فرد، شکست عاطفی متغیر باشد. ترس اغلب پیش از آسیب در صورت افراد ظاهر می‌شود. شدت ترس از تشویش تا وحشت متغیر است. ترس می‌تواند با هر هیجانی مانند خشم، شادی، غافل‌گیری و نفرت همراه باشد یا نباشد. (همان: ۶۵-۶۸)

شادی: شادی، احساسی است که اغلب مردم علاقه‌مند به تجربه آن هستند. بشر همیشه به دنبال ایجاد شرایطی است؛ که باعث تجربه شادی شود و یا یک هیجان مثبت را در مقابل احساس ترس، خشم، نفرت و غم قرار دهد. (همان: ۱۱۶)

غم: غم نوع دیگری از تألم است؛ که عمومی‌ترین هیجان منفی به حساب می‌آید، در حالت غم، رنج شما بی‌صداست بلند گریه نمی‌کنید و بیشتر در سکوت، رنج خود را تاب می‌آورید. عوامل غم متفاوت است؛ اما غالباً فرد به دلیل از دست دادن یا زیان دیدن، غمگین می‌شود. حس ملایم حزن یا دلگیری تا احساس شدید؛ حین شیون و فغان متفاوت است. (همان: ۱۳۱)

نفرت: نفرت، حس بیزاری است و در کسری از ثانیه بر چهره نقش می‌بندد و تغییر می‌کند؛ مانند زمانی که فرد مزه‌چیزی را دوست ندارد و یا بوی بدی که باعث شود راه

تنفسی خود را ببندد و از آن فاصله بگیرد؛ عوامل دیگری مانند صدا تصویر و یا حتی ظاهر افراد، رفتار و یا تفکرشان می‌توانند حس نفرت را ایجاد کند. (همان: ۸۱)

خشم: خشم خطرناک‌ترین احساس است. خشم به دلایل گوناگونی بروز می‌کند، ناکامی ناشی از شکست کاری یا دست نیافتن، به هدفی ویژه سبب‌ساز بروز خشم می‌شود؛ عامل دیگری که باعث بروز خشم می‌شود، زمانی است که فرد نتواند انتظارتان را برآورده سازد؛ عدم برآورده شدن انتظارات، به تنهایی باعث بروز خشم می‌شود. خشم می‌تواند با احساسات دیگری ترکیب شود و در چهره افراد، متفاوت بروز کند. (همان: ۹۴)

برای یافتن پرتره‌های قرآنی ابتدا باید موضع معاد، در دین اسلام را بررسی کرد؛ اعتقاد به معاد و قیامت یکی از ارکان اسلام و بنا بر تحقیق بعضی از محققین در حدود هزار و هفت صد آیه از قرآن مجید راجع به قیامت و ثواب و عقاب و بازگشت اعمال است، بدین طریق نزدیک به یک‌سوم قرآن در بیان قیامت است. (قرشی، ۱۳۷۱ش: ۵۴/۶) در آیات مرتبط با قیامت صحنه‌پردازی‌های زیبایی وجود دارد؛ که خواننده را به عمق کلام می‌کشاند. در این صحنه‌ها حوادث متعددی رخ می‌دهد؛ که باعث بروز حالات متفاوتی در چهره افراد می‌شود، حالاتی مانند ترس، غم، شادی، غافلگیری، خشم و نفرت که این ۶ حالت را با توجه به نظریه چهره‌خوانی اکمن و فیری زن در صحنه‌پردازی‌های مرتبط با قیامت بررسی می‌کنیم:

۳-۱- مطالعه پرتره غافل‌گیری

تصویر پرتره غافلگیری دارای چهار حالت است که هر کدام شدتی را در فرد دارد و این میزان شدت بر اساس علم روانشناسی حالتی را بر چهره فرد می‌نشانند. مؤلفه غافلگیری در چهار حالت سؤالی، حیرت‌انگیز، گیجی و غافلگیری کامل بر چهره فرد نقش می‌بندد.

پرتره غافلگیری سؤالی به فرد حالتی پرسشی می‌دهد. در آیه ﴿وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهٗ﴾ (حاقه/۲۵) در صحنه، «أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ» (نمی‌داند که نامه اعمالش چگونه محاسبه شده؟) (قطب، ۱۳۴۹: ۳۶۸۲/۶) در این لحظه فرد با دیدن نامه اعمال خود دچار حالت غافل‌گیر می‌شود و همراه با پرسشی که واقعاً نامه اعمال من چنین؛ است و حالتی نامطمئن دارد، نسبت به چیزی که می‌بیند؛ اما این حالت بسیار کوتاه است و چهره بعدی فرد را می‌توان با این واژه‌ها «فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي»، «مکت طولانی، دل‌شکستگی طولانی، لحنی ناامیدانه است.» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲۳۱) بررسی کرد و حالت ناامیدی، غم و عذاب را نشان می‌دهد. عکس پرتره به دست آمده بر اساس الگوی چهره‌خوانی غافل‌گیری از نوع سؤالی می‌تواند در دو ناحیه صورت بدون دخالت ناحیه سوم دیده شود.

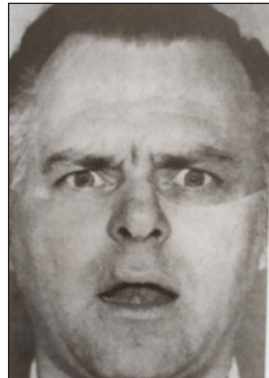
مؤلفه غافل‌گیری از نوع حیرت‌انگیز یک چهره شگفت‌زده را نشان می‌دهد که می‌تواند، بیانگر فریادی کوتاه از ترس یا ندایی مانند آااااا به همراه دم ناگهانی نفس باشد. این را می‌توان

در آیه ﴿إِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ (مؤمنون/۱۰۱) دید. بررسی واژه «وَلَا يَتَسَاءَلُونَ»، «در روز رستاخیز و موقعیت‌های مختلف، آن‌ها تعجب می‌کنند و در بعضی از آن‌ها یکدیگر را می‌شناسند و در برخی از آن‌ها به دلیل شدت وحشت و وحشت متوجه این موضوع نمی‌شوند.» (کشاف زمخشری) نشان می‌دهد. حیرت و سرگشتگی در احوال انسان‌ها را پس از شنیدن نفخه صور نشان می‌دهد و همراه بادم ناگهانی نفس است. در بازه زمانی تبدیل مؤلفه غافل‌گیری به مؤلفه بعدی که بسیار کوتاه است؛ از شدت غافل‌گیری کامل کاسته می‌شود و فرد، دچار غافل‌گیری از نوع گیجی می‌شود پرتره فرد در این مرحله مانند چهره غافل‌گیری کامل است و تنها تفاوت در چشم‌ها است؛ که در مرحله گیجی و ماتمی به سر می‌برد. (اکمن و وی فریزن، ۱۹۷۵: ۶۲) این حالت را می‌توان در آیه ﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾ (زلزال/۳) بررسی کرد... شدت غافل‌گیری در این مرحله بیشتر از دو مرحله قبلی است، واژه «مَا لَهَا» «به این معنا که وجود انسان شرایط و وحشتی را که هنگام زلزله برای او پیش آمده نشان می‌دهد.» (ملاصدرا: ۷/۲۵۷) زمانی را نشان می‌دهد که فرد اتفاقات و شروع حوادث را دیده است و در این مرحله از حالت غافل‌گیری فرد گیج و مبهوت حادثه است،

غافل‌گیری کامل را در آیه ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ﴾ (مدثر/۹ و ۸) می‌توان دید. در اینجا نفخه اول یا دوم آغاز می‌شود، با توجه به تفسیر، عظمت صدا بسیار زیاد است و شنیدنش در فرد وحشت ایجاد می‌کند؛ «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ» «روزی که وحشت کفار در آن بسیار شدید است» (نووی الجاوی، بی تا: ۲/۵۷۹)؛ اما ابتدا فرد به‌طور کامل غافل‌گیر می‌شود و در کسری از ثانیه این مؤلفه به مؤلفه‌های دیگر مانند ترس تبدیل می‌شود. در این مرحله چهره غافل‌گیری کامل را نشان می‌دهد و هر سه ناحیه صورت درگیر هستند و پیامش در یک کلام غافل‌گیری است

۳-۱-۱- عکس پرتره مؤلفه غافل‌گیری:

ابروها بالا رفته و هلال مانند هستند و پوست زیر ابرو کشیده شده، این حالت سبب می‌شود تا چین‌های افقی در سراسر پیشانی دیده شود. در این حالت پلک‌ها به‌طور کامل باز هستند و سفیدی چشم صلبیه بالای عنبیه دیده می‌شود و در شدیدترین حالت غافل‌گیری سفیدی پایین عنبیه نیز مشخص می‌شود. آرواره پایین می‌افتد به‌طوری‌که لب‌ها در دو ردیف دندان‌ها از هم جدا می‌شوند ولی انقباض یا کشش دردهان دیده نمی‌شود. (همان: ۶۴)



۳-۲- مطالعه مؤلفه ترس

مؤلفه ترس در سه حالت تشویش، وحشت و ترس کامل بر چهره فرد نقش می‌بندد. حالت ترس همراه با تشویش را می‌توان در صحنه پردازشی چهره افراد در آیه ﴿وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (جاثیه/۲۸) بررسی کرد.

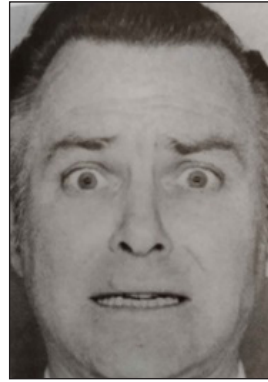
«جَائِيَةً: الْمُسْتَوْفِرُ: کسی که به زمین زانو و انتهای انگشتانش برخورد نکند.» (شوکانی، ۱۴۱۴: ۱۳/۵) در این دو صحنه مؤلفه ترس همراه با وحشت و تشویش بیانگر حال افراد است، حالت نشستن بر زانو با توجه به تفسیر، گویای ترس همراه با وحشت است و فرد در این حالت متوجه یک رویداد در شرف وقوع می‌شود؛ که رویداد حسابرسی اعمالشان است و این موضوع ترس آن‌ها را با تشویش و نگرانی همراه می‌کند؛ آن‌ها در این صحنه هنوز نامه اعمال را نگرفته‌اند و هنوز به پاداش و کیفر خود نرسیده‌اند و در رابطه با این موضوع نگرانی و تشویش دارند. حالت احساسی چهره، نمایی از تشویش است، گویی فرد تازه متوجه شده که یک رویداد آسیب‌رسان در شرف وقوع است و پیام تصویرش اضطراب و تشویش است و به احساس لحظه اول تجربه ترس اشاره دارد. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۷۲-۷۴)

ترس همراه با وحشت و یا همان ترس میخکوب‌کننده را نشان می‌دهد، شخص در این حالت چهره مات و مبهوت از ترس را نشان می‌دهد پرتره چهره آن‌ها ترس همراه با وحشت را نشان می‌دهد؛ و هر دو ناحیه صورت درگیر است با وجود اینکه ابروها در حالت عادی هستند اما از شدت حالت ترس کاسته نشده است و ترس فقط در چشم‌ها و دهان نشان داده شده است دهان در حالت باز و چشم‌ها در حالت منقبض نمایان می‌شود. (همان: ۷۶-۷۷) ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبَعَهَا الرَّادِقَةُ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ﴾ (نازعات/۷-۹) ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ﴾ «اولین صور با صدا آغاز می‌شود» ﴿قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ﴾ «یعنی قلب‌های بسیاری آشفته است» ﴿أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ﴾ «چشم صاحبان این قلب‌ها تحقیر می‌شود» (نووی الجاوی، بی تا: ۵۹۹/۲) صدای نفخه صور با توجه به تفسیر سبب ترس زیادی می‌شود که فرد بعد از مؤلفه غافلگیری دچار ترس می‌شود؛ این ترس همراه با وحشت فراوان است و شدتش تا اندازه‌ای است؛ که فرد را میخکوب می‌کند مانند صحنه‌ای که کافران از ترس دیده فروهشته.

ترس می‌تواند واقعی و یا بر اساس تصویری از تهدید آسیب باشد؛ مانند آیه ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ﴾ (روم/۱۶) این آیه حضور کافران در انتظار آتش را در صحنه پردازشی، نشان می‌دهد. واژه «مُحْضَرُونَ» «داستان کافران عذاب دردناکی است که آن‌ها برای همیشه در آن حضور دارند.» (الزجاج: ۱۸۰/۴) مؤلفه ترس کامل در چهره آن‌ها را نشان می‌دهد. آن‌ها هم ترس از مجازات و تصویری از آسیب آن را تجربه می‌کنند و هم در واقعیت مجازات می‌شوند و ترس آن را نیز تجربه می‌کنند.

۳-۲-۱- عکس پرتره مؤلفه ترس:

پرتره ترس، این تصویر را نشان می‌دهد ترس کامل را به همراه دارد ابروها بالا رفته و درهم کشیده شده‌اند؛ چین‌های روی پیشانی در مرکز هستند، نه در سراسر پیشانی، پلک فوقانی بالا رفته است و صلیبه کاملاً مشخص است، دهان باز است و لب‌ها کمی منقبض و به عقب کشیده شده یا کش آمده و به عقب جمع شده‌اند. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۸۰)



۳-۳- مطالعه مؤلفه شادی

معنی واژه لذت مرتبط با احساس فیزیکی مثبت است و این لذت در مقابل احساس فیزیکی درد قرار دارد. درد آزاردهنده است؛ اما احساس لذت ذاتاً حس خوب یا پرفایده‌ای دارد. مؤلفه شادی در چهار حالت لذت بردن، هیجان، تسکین و خویشتن‌انگاری مطلوب بر چهره فرد نقش می‌بندد و پرتره شادی را با این مشخصه به وجود می‌آورد. احساس لذت می‌تواند در تحریک لمسی و چشایی یا اصوات و مناظر زیبا نمایان شود و به فرد حس شادی دهد؛ مانند احوال بهشتیان که تمامی این لذت‌ها را در بهشت دریافت می‌کنند. (همان: ۱۱۶) ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾ (محمد/۱۵) در این آیه صحنه‌پردازی بهشتیان مؤلفه شادی از نوع لذت را بیان می‌کند، لذت دیدن زیبایی‌های بهشت و چشیدن طعم‌های بی‌نظیر مانند «ماء غیر آسن»، «بدون تغییر، بدبو نیست» (السیوطی، ۱۹۹۴: ۶۶/۷) که نشان‌دهنده، لذت بردن است و در نهایت به رضایت پروردگار می‌رسند؛ که مؤلفه شادی از نوع خویشتن‌انگاری مطلوب است.

نوع دیگری از شادی هیجان است هیجان نقطه مقابل تألم است، شما وقتی به هیجان می‌آید؛ که چیزی علاقه شما را بیدار کند، غالباً این چیز، چیز جدیدی است. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۱۱۷) هیجان از نوع شادی را می‌توان در آیه ﴿فَأَمَّا مَنْ أوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُ وَكِتَابِيهِ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلاقٍ حَسَابِيهِ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ﴾ (حاقه/۱۹-۲۱) یافت. عکس پرتره چهره افراد در این تصویر هیجان رسیدن به پاداش و لذت بردن، از این پاداش را نشان می‌دهد (راضیه) این واژه نشان می‌دهد که آن‌ها از جایگاه خود و دستیابی به آنچه شایسته آن است راضی هستند. (الدرویش، بی‌تا، ۲۰۰۱/۱۰) لحظه‌ای را نشان می‌دهد که نامه اعمال را به دست راست شخص می‌دهند و رسیدن به بهشت برای افراد ورود به دنیایی

جدید است؛ که هیجان را در وجودشان بیدار می‌کند.

نوع دیگری از شادی که بسیار در چهره افراد بهشتی می‌توان مشاهده کرد شادی از نوع تسکین است مؤلفه‌ای که در آن مثلاً وقتی درد و سختی فرد تمام می‌شود، سبب‌ساز احساس شادی می‌شود. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۱۱۷) در آیه ﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ﴾ (مطففین/۳۴) در تصویر چهره این افراد نیز مؤلفه شادی بعد از تسکین از درد را نشان می‌دهد؛ واژه «یوم» مدت‌زمان تحمل سختی را نشان می‌دهد و واژه «يَضْحَكُونَ» «در روز رستاخیز، خداوند متعال به همه به خاطر اعمالشان پاداش می‌دهد و پاداش و مومنان سعادت است و کافر را با عذاب و جهنم پاداش می‌دهد، در آن روز. مؤمنان به کفار می‌خندند.» (طوسی، بی‌تا: ۳۰۵/۱۰) پایان سختی و تسکینی برای رنج‌هایی که از کفار به مؤمنان رسیده است. مؤلفه شادی در عکس پرتره چهره آن‌ها از نوع شادی تسکین است، سختی و مشقت آن‌ها در دنیا تمام‌شده و اکنون آن‌ها به آرامش و شادی رسیدند.

بالاترین درجه شادی از نوع خویشتن‌انگاری مطلوب است که دربرگیرنده خویشتن‌بینی یا درک خود است به این دلیل که موردعلاقه بودن باعث می‌شود احساس خوبی به خودش داشته باشد. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۱۱۸) در آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه/۷۲) واژه «عَدْن» دو معنا برای آن ذکر شده است: جاودانگی همیشگی و بهترین درجه بهشت. «رِضْوَانٌ» خشنودی (مهتدی، ۱۳۹۸ش: ۲۵۱) این دو واژه مؤلفه شادی در چهره آن‌ها از نوع خویشتن‌انگاری مطلوب را نشان می‌دهد؛ این که مورد رضایت و خشنودی خداوند قرار گرفتند و خداوند آن‌ها را دوست دارد و این اتفاق یک خویش‌انگاری مطلوب را برای افراد فراهم می‌کند که غالباً احساس شادی می‌کنند.

۳-۱- عکس پرتره مؤلفه شادی:

پرتره شادی، این تصویر را نشان می‌دهد: شادی بیشتر در نیمه پایین صورت نشان داده می‌شود، گوشه لب‌ها به عقب و بالا کشیده شده است و ممکن است، باز باشد یا نباشد؛ به همراه دیده شدن دندان‌ها. یک خط چروک از لبه بینی تا لبه بیرونی گوشه‌های لب امتداد پیدا می‌کند. گونه‌ها بالا رفته و چین‌های زیر پلک زیرین پدیدار می‌شود و چشم‌ها دارای درخشش می‌شود. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۱۳۰)



۳-۴- مطالعه مؤلفه غم

از دست دادن یک دوست یک فرصت و یا یک پاداش به دلیل عمل اشتباه خود یا شرایط یا بی توجهی شخصی که برایمان بسیار عزیز و ارجمند است. غم یک احساس مختصر و کوتاه نیست و معمولاً از دقیقه تا روزها و حتی سال‌ها طول می‌کشد. در حالت غم رنج می‌برد این رنج حاصل از درد فیزیکی نیست. (همان: ۱۳۱)

غم از دست دادن را در آیات بسیاری می‌توان دید مانند آیه ﴿وَجِئَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾ (فجر/۲۳-۲۴) مؤلفه غم، چهره‌ای را نشان می‌دهد؛ که رنج می‌برد و ازه (یا لیتنی) یعنی آرزو می‌کرد کاش قبل از مرگش کارهای خوبی برای زندگی خود کرده بود. (طوسی، بی تا: ۳۴۷/۱۰) غم از دست دادن فرصت را بیان می‌کند. مؤلفه غم در هر لحظه برای آنان بیشتر می‌شود.

گاهی این غم بر اثر زیان دیدن است رنج حاصل از خسران از دست‌دادن و زیان‌دیده همراه با یأس یا ناامیدی است. یافتن ظاهر غم در چهره این افراد بسیار سخت است؛ زیرا در بارزترین حالت نیروی عضلات چهره از بین رفته است. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۱۳۱) ﴿وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَبُومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾ (طه/۱۱۱) و ازه «خَاب» به معنی ناامید شد است. (مهتدی، ۱۳۹۸ش: ۳۸۴) و پرتره‌ای از یک چهره غمگین را نشان می‌دهد و این ناامیدی باعث می‌شود عضله‌های صورت در افتاده‌ترین حالت ممکن قرار گیرند و فرم خاصی را نشان نمی‌دهند؛ اما فرد در درون خود غوطه‌ور در ناامیدی بی‌پایان است و این شدیدترین حالت غم را نشان می‌دهد. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۱۱۷)

۳-۴-۱- عکس پرتره مؤلفه غم

پرتره غم کامل، این تصویر را نشان می‌دهد: در حالت کلی در پرتره غم، گوشه‌های داخلی ابروها درهم کشیده شده‌اند. پوست زیر ابرو مثلث شکل و گوشه داخلی ابروها بالا رفته‌اند، گوشه داخلی پلک فوقانی، بالا رفته است و گوشه‌های لب‌ها پایین آمده، یا لب‌ها لرزان هستند. (همان: ۱۴۵)



۳-۵- مطالعه مؤلفه نفرت

دلایل زیادی سبب‌ساز به وجود آمدن این مؤلفه می‌شوند؛ که به‌اختصار برخی از آن‌ها را بررسی می‌کنیم: گاهی مزه تلخی که چشیدن آن بسیار ناگوار است؛ حتی حس خوردن یک چیز تهوع‌آور می‌تواند فرد را متنفّر کند: مانند آیه ﴿تَسْقَى مِنْ عَيْنِ آيَةٍ﴾ (غاشیة/۵) «نزدیک شدن و رسیدن عَيْنِ آيَةٍ چشمه‌ای که آبش به‌شدت حرارت رسیده است.» (قرشی، ۱۳۷۷ش: ۲۰/۱۲) نوشیدنی بدمزه‌ای که چشیدن آن بسیار ناگوار است و حس تنفر به مزه آن را در فرد ایجاد می‌کند؛ پرتره نفرت در چهره فرد نمایان است و از شدت بالای برخورداری است و ممکن است وجود حالت تهوع را در فرد نشان دهد، شدت بالای تنفر از مزه آن چیز تهوع‌آور است. گاهی احساس نفرت بر اساس صدا و تصویر است مانند: ﴿إِذَا رَأَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَزَفِيْرًا﴾ (فرقان/۱۲) واژه «تَغِيْظًا»، «صدای وحشتناک» (مهتدی، ۱۳۹۸ش: ۴۲۸)؛ که این صدای وحشتناک ابتدا حس ترس و سپس حس تنفر و انزجار نسبت به شنیده شدنش را در فرد ایجاد می‌کند و در عکس پرتره حس بیزارگی و نفرت بر چهره فرد نقش می‌بندد.

۳-۵-۱- عکس پرتره مؤلفه نفرت

در این آیات پرتره تشکیل شده دارای مؤلفه نفرت است و تصویری از ویژگی‌های چهره تنفر را به ما نشان می‌دهد؛ حالت نفرت، در ابتدا در نیمه پایین چهره و در پلک پایین دیده می‌شود؛ لب فوقانی بالا می‌رود، لب پایین نیز بالا رفته و به لب بالا فشرده می‌شود؛ بینی چین می‌افتد، گونه‌ها بالا می‌روند، خطوط چین زیر پلک پایین دیده می‌شوند و پلک به سمت بالا فشرده می‌شود، ابروها پایین آمده و پلک بالا را پایین می‌آورد. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵م: ۹۱)



۳-۶- مطالعه مؤلفه خشم

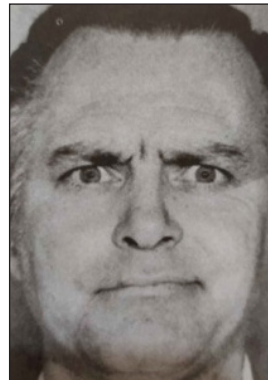
عوامل بروز خشم بسیار هستند که به‌اختصار دو مورد خشم از ناکامی و تهدید فیزیکی را بررسی می‌کنیم. شکست فعالیت یا دست نیافتن به هدفی ویژه مانند شکست در راه یا مسیری باشد که در زندگی در پیش گرفته‌اید و اگر باور داشته باشید که عامل ناکامی تان عاملی بی‌اساس ناعادلانه یا غرض‌ورزان بوده است باعث بروز خشم از ناکامی می‌شود (همان: ۹۴). این مؤلفه را می‌توان در آیه ﴿إِذْ تَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾ (بقره/۱۶۶) بررسی کرد. مراد در این آیه بیزارگی جستن رؤسای کفار از تابعین خودشان است، (الَّذِينَ اتَّبَعُوا) «رؤساء الضلالة من الانس و السبب: الحبل..» (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۱)

صحنه پردازی این آیه نشانی از شکست در هدف و انتخاب مسیر زندگی است و چهره خشم در متابعت کنندگان هنگام مشاهده عذاب نسبت به روسای خود را نشان می‌دهد و همچنین چهره خشم روسا نسبت به تابعین را نشان می‌دهد که از شدت خشم بیشتری برخوردار است؛ زیرا عذاب آنان سخت‌تر از عذاب دیگران است. در این صحنه دو پرتره از چهره خشم نمودار می‌شود پرتره چهره متابعین که خشمی نسبت به روسای خود دارند و این خشم نشأت گرفته از سر ناکامی و شکست در انتخاب راه زندگی‌شان است و پرتره چهره رؤسا که خشمی نسبت به متاب عین دارند؛ زیرا عذابشان به دلیل تبعیت آن‌ها بیشتر شده است.

دومین محرک اصلی خشم، تهدید فیزیکی است. اگر تهدید آزاری طرف مقابل شما ناچیز بوده و مشخصاً توان صدمه زدن به شما را نداشته باشد، بیش از آن‌که خشمگین شوید، نسبت به او حس تحقیر خواهید داشت در این مرحله روش علمی بروز خشم ناشی از تهدید آزار فیزیکی مانند حمله و نزاع، اخطار کلامی، هارت‌وپورت و یا فرار از صحنه است. (اکمن و وی فریزن، ۱۹۷۵: ۹۵) این محرک را می‌توان در آیه ﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلَا أَنْفُسُكُمْ مَا آنا بِمُصْرِحِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (ابراهیم/۲۲) مشاهده کرد. در گفتگوهای این آیه شیطان توان صدمه زدن فیزیکی به افراد را ندارد و فقط با تهدید کلامی «فَلَا تَلُمُونِي»، «وَلَوْلَا أَنْفُسُكُمْ»، «فإنه ذكر اللوم تنبيها على أنه إذا لم يلاموا لم يفعل بهم ما فوق اللوم». (الراغب الاصفهاني، ۱۴۰۴: ۴۵۶) افراد را محکوم به عذاب الهی می‌کند؛ فرد در این صحنه ابتدا چهره‌ای از حس تحقیر و تنفر را نسبت به شیطان دارد و بعد مؤلفه خشم در کلامشان بنا بر سرزنشی که نسبت به شیطان دارند هویدا می‌شود و پرتره مؤلفه خشم را در چهره آن‌ها می‌توان یافت و بروز آن به صورت کلامی است.

۳-۶-۱- عکس پرتره مؤلفه خشم

مؤلفه خشم در هر سه ناحیه صورت آشکار می‌شود؛ ابروها پایین آمده و به هم گره می‌خورند، چین و خطوط عمودی میان دو ابرو، ظاهر می‌شود؛ پلک پایین منقبض می‌شود، چشم‌ها زل زده و می‌توانند، حالت از حدقه درآمده باشند. لب‌ها منقبض و مربع شکل، مانند حالت فریاد زدن است. (اکمن، وی فریزن، ۱۹۷۵: ۱۱۳) پرتره چهره خشم در حالت کلی دارای این ویژگی‌ها است ...



۴- نتیجه‌گیری

تاکنون در مورد تصاویر هنری قرآن و اثربخشی آن‌ها در ذهن خواننده نتایج بسیاری بیان شده است اما در این پژوهش با بررسی تصاویر هنری و شبیه‌سازی آن‌ها در قالب یک عکس فضای درون‌متنی آیات مشاهده شد و در این مشاهدات به‌عنوان یک عکاس الگوی چهره شناسی در تمامی این عکس‌ها مشاهده شد با بررسی کلمات قرآنی عکس پرتره از چهره افراد متناسب با واژگان قرآنی مورد بررسی قرار گرفت مثلاً واژه «تَعْيُظًا» صدای وحشتناک است که در عکس پرتره حس بیزاری و نفرت بر چهره فرد را نشان می‌دهد و این با نظریه چهره خوانی پل اکمن و والاس وی فریزن ممکن شد.

این نظریه کمک کرد تا بتوانیم تصاویر چهره پنهان در واژه‌ها را بیابیم. واژگان در زبان عربی دارای تصویر هستند در این پژوهش با دیدگاهی جدید به بررسی تصویری واژگان پرداختیم و در نهایت خواننده می‌تواند عکس پرتره چهره افراد در روز قیامت را ببیند. از مهم‌ترین نتایج این پژوهش آشنایی خواننده با چهره و حالت‌های آن در حوادث روز قیامت است که امکان همزادپنداری را برای خواننده ایجاد می‌کند و اثر بیشتری در فهم آیات دارد.

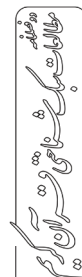
کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی.
- أبو إسحاق الزجاج، إبراهيم بن السرى بن سهل (۱۴۰۸ هـ): «معانى القرآن وإعرابه»، المحقق: عبد الجليل عبده شلبى، بيروت: عالم الكتب
- اکمن، پل، والاس وی فریزن (۱۳۹۸ ش): «رمزگشایی از چهره»، قم، انتشارات بیان روشن، چاپ دوم.
- اسماعیلی، مهدی (بی تا): «مبانی عکاسی»، بی جا: بی نا
- الدریش، محیی الدین (بی تا): «إعراب القرآن الکریم وبیانه»، الیمامة للطباعة والنشر والتوزیع
- الراغب الأصفهانی، (۱۴۱۲ق): «المفردات فی غریب القرآن»، بیروت: دارالعلم
- جلال الدین السیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر (بی تا): «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، بیروت: دارالفکر
- جوادی عاملی، عبدالله (۱۳۱۲ش): «یاد معاد»، تهران، انتشارات مرکز نشر فرهنگی، چاپ اول.
- حکیمزاده، پدram (۱۳۹۷ش): «ارتباط تصویری»، تهران، انتشارات شهر پدram، چاپ اول.
- خسروی حسینی، چ ۱، تهران، انتشارات کتاب فروشی مرتضوی
- خونساری، شهریار (۱۳۹۷ش): «عکاسی پرتره»، تهران، انتشارات درج عقیق، چاپ اول.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۴۰۷ق): «الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت: دارالکتاب العربی
- سیمون، ریک (۱۹۵۰م): «انگیزه و دانش عکس درمانی کشف قدرت تصاویر»، ترجمه نیما عربشاهی، قم: انتشارات بیان روشن، چاپ اول.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق): «فتح القدر»، بیروت: دارالکلم الطیب.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶ش): «تفسیر القرآن الکریم»، قم: بیدار، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طباطبایی نظری، علی (۱۳۹۸ش): «مینیمالیسم عکاسی از چهره مخلوقات»، تهران: ناشر لوح محفوظ، چاپ اول.
- طاهری، علیرضا (۱۳۹۷ش): «فیزیوگنومی یا چهره شناسی و انعکاس آن در نقاشی و ادبیات»، دانشکده هنر و معماری سیستان و بلوچستان، ش ۱، صص ۹۳-۱۰۲.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش): «قاموس القرآن»، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش): «تفسیر احسن الحدیث»، تهران: انتشارات بنیاد بعثت.
- قطب، (۱۳۴۹ش): «دورنمای رستاخیز در ادیان پیشین و قرآن»، ترجمه غلامرضا.
- (۱۴۱۲هـ)، «فی ظلال القرآن»، بیروت: دار الشروق، چاپ اول.
- کریم-مسیحی، یوریک (۱۳۹۴ش): «عکس و دیدن عکس (عکس به ما چه می دهد، ما از عکس چه می گیریم)»، تهران: انتشارات بیدگل، چاپ اول.
- مهندی، حسین (۱۳۹۸ش): «فرهنگ واژگان قرآن کریم»، بوشهر: دانشگاه خلیج فارس.
- نووی الجاوی، الشیخ محمد بن عمر (بی تا): «مراح لیبید لکشف معنی القرآن المجید»، المحقق: محمد أمين الضناوی، دار الکتب العلمیة.

Bibliography

- The Holy Quran, translated by Abdolmohammad Ayti.
- Abu Ishaq al-Zajaj, Ibrahim b. al-Sari b . Sahl (1408 AH): "Ma'ani al-Qur'an and 'A'raba", al-Muhaqqq: 'Abd al-Jalil Abdu Al-Shalby, Beirut: Alam al-Kitab
- Ekman, Paul, Wallace V. Friesen (2019 OR 2019): "Decoding the Face," Qom, Bayan Roshan Publications, 2nd edition.
- Esmaili, Mehdi (-Bita): "Basics of Photography," Mislplaced: Bena
- Al-Darvish, Mohi al-Din (Bita): "Ahrab al-Qur'an al-Kirim wabeaneh", Elemama Lataba Valenshar Waltzhi
- Al-Ragheb al-Asfaani, (1412/1912): "Al-Mandat Fi Gharib al-Qur'an" Beirut: Dar al-Alam
- Jalal al-Dain al-Suyuti, Abd al-Rahman b. Abi Bakr (Bita): "Alder al-Manthur Fi al-Tafsir Balmassour," Beirut: Dar al-Fakir
- Javadi Ameli, Abdollah (1933): Yad Maad, Tehran, Cultural Publishing Center, 1st edition.
- Hakimzadeh, Pedram (2018): "Visual Communication", Tehran, Shahr Pedram Publications, 1st edition.
- Khosravi Hosseini, Ch1, Tehran, Mortazavi Bookstore Publications
-
- Khonsari, Shahriar (2018): "Portrait Photography", Tehran, Insert opal Publications, 1st edition.
- Zamakhshari, Jarullah Mahmud b. 'Umar (1407/1407): "Al-Kashf as the truth of Gawaf al-Tazil," Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi
- Simon, Rick (1950): "Motivation and Knowledge of Photo Therapy Discovering the Power of Images", translated by Nima Arabshahi, Qom: Bayani Roshan Publications, first edition.
- Shokani, Muhammad b. 'Ali (1414/1414): "Fatah al-Qadir,"Beirut: Dar al-Kalm al-Tayeb.
- Sadr al-Dain Shirazi, Muhammad b. Ibrahim (1987): "Tafsir al-Qur'an al-Karim", Qom: Bidar, second edition.
- Al-Tusi, Muhammad b. Hasan (-Bita): "Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Dara-hiyat al-Tarath al-Arabi.
- Tabatabai Nazari, Ali (2019): "Minimalism of Photographing the Face of Creatures", Tehran: Publisher of Mahfouz Tablet, 1st edition.
- Taheri, Alireza (2018 OR 2018): "Physiognomy or Face and Its Reflection in Painting and Literature", Faculty of Art and Architecture of Sistan and Baluchestan, No. 1, pp. 93-102.
- Qureshi, Seyed Ali Akbar (1992): "Qamus al-Qur'an", Tehran: Dar al-Katab al-Islamiyya Publications, 6th edition.
- Qureshi, Seyed Ali Akbar (1998 or 1998): "Commentary on Ahsan al-Hadith", Tehran: Besat Foundation Publications.
- Qutb, (1970): "The Prospect of Resurrection in Previous Religions and the Qur'an",

- translated by Gholamreza.
- (1412H), "Fi Zahl al-Qur'an", Beirut: Daar al-Shorouq, 1st edition.
 - Karim Christian, Yorick (2015): "Photo and photo viewing (what the photo gives us, what we get from the photo)," Tehran: Bidgol Publications, 1st edition.
 - Mohtadi, Hossein (2019): "The Vocabulary of the Holy Quran", Bushehr: Persian Gulf University.
 - Novi al-Jawi, Al-Sheikh Mohammed b. 'Umar (-Bita): "Merah Labid Lakshef Ma'ani al-Qur'an al-Mujid", al-Muhaqqq: Muhammad Amin al-Zanavi, Dar al-Katab al-'Almiyya.



سال پنجم

شماره اول

پیاپی: ۸

بهار و تابستان

۱۴۰۰